ادامه از صفحه اول

ایران در بین ۳ نقطه هدف ترامپ

آمریکا با بزرگ‌نمایی و به‌رخ‌کشیدن پیشرفت صنایع هسته‌ای ایران و اعمال تحریم تجاری، در پی آن بود که همان بلایی را که سر ونزوئلا درآورده بود، سر ایران درآورد. هزینه آن را هم با فروش اسلحه به کشورهای عربی تأمین کرد؛ اما همسایگی روسیه و ترکیه و حضور پرقدرت چین در منطقه، موجبات عقب‌نشینی تدریجی آمریکا را در سومین بازی قدرت فراهم کرده است. ترامپ و همکاران نزدیک او خواب فاتح‌شدن را در نبرد احتمالی دیده بودند اما امروز فشار آمریکا در حال کاهش است. حتی با وجود اعمال تحریم‌های اقتصادی جدید علیه ایران، نخستین آثار پایان‌یافتن ماجرا با کاهش ارزش دلار و بازگشت تدریجی قدرت ریال نمایان شده است. هم شخص ترامپ و هم وزیر خارجه او امروز سخنی می‌گویند که وارونه حرف‌های چند روز پیش آنهاست. تا هفته پیش مقامات مورد اشاره از تغییر رژیم در ایران سخن می‌گفتند. امروز از علاقه خود به ثبات رژیم و مذاکره سخن می‌گویند. درگیری‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی آنها نیز کم‌کم کاهش یافته است و بیشتر از روش‌های برخورد صلح‌آمیز با ایران سخن می‌گویند؛ اما اینکه آیا تغییر رفتار آمریکا با ایران ادامه می‌یابد و به سطح ونزوئلا و کره شمالی می‌رسد یا به تشدید بحران کشیده می‌شود، قابل پیش‌بینی نیست. پیش‌بینی‌کردن، شرط لازم برای تنظیم سیاست‌های بلندمدت و برنامه‌ریزی است، به‌ویژه در کشوری که برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دارد. در خاورمیانه امروز به‌صورتی‌که درآمده است، آینده‌نگری به‌هیچ‌وجه میسر نیست. صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی غالبا در معرض چند پرسش قرار می‌گیرند که پاسخ‌دادن به آنها هم ممکن نیست. نخستین پرسش درباره وقوع جنگ است. هیچ‌کس نمی‌تواند بروز جنگ را دقیقا پیش‌بینی کند، زیرا جنگ بیشتر به‌دلیل اشتباه محاسبه و در یک جو بلاتکلیفی آغاز می‌شود. بدتر از آن پیش‌بینی‌کردن نتیجه نهایی جنگ است. حتی هیتلر و موسولینی با همه قدرت و توانایی‌شان نتوانستند شکست خود را پیش‌بینی کنند و این یعنی طرف‌های تخاصم علیه ایران، باید متوجه وضعیت پیش‌بینی‌ناپذیر یک درگیری باشند. زمامداران شوروی هم نتوانستند سرنگونی آن قدرت شگفت‌آور را پیش‌بینی کنند. داستان شهردار سابق تهران نمونه بسیار کوچکی از ترکیبی از غفلت، عصبانیت و واکنش آنی است. یک کشور یا یک منطقه که جای خود دارد.

چین و فتیله روشن تظاهرات هنگ‌کنگ

اما پدیده سیاه سلطه، گاهی می‌تواند سال‌های سال، یک جامعه چشم‌بادامی را چنان بیازارد که تنها خواندن پیام یکی از این به‌جان‌آمده‌ها می‌تواند عمق این درد را بیان کند؛ «مردم عزیز هنگ‌کنگ، مبارزه ما زمان‌بر است، پس باید مراقب باشیم اراده‌مان سست نشود. باید پافشاری کنیم تا این لایحه به‌طور کامل از میان برداشته شود، دولت که اعتراضات ما را «شورش خام» خوانده باید حرفش را پس بگیرد، معترضان بازداشت‌شده آزاد شوند، «کری لم» کناره‌گیری کند و پلیس به‌شدت مجازات شود. آرزوی من وانهادن این زندگی محقر به پای این خواسته‌هاست؛خواسته‌های شما دو میلیون نفر!». این پیام یک زن ۲۱ساله در هشتم تیر امسال است که روی دیوار راه‌پله یک مجتمع مسکونی در محله «فانلینگ» هنگ‌کنگ نوشته شد؛ جایی که ساکنان آن از طبقه زحمتکش و فرودست پر شده است. دست‌خطی با دست لرزان از نویسنده‌ای عادی که ممکن است مصمم باشد اما از وضع موجود بسیار خسته است. پس از نوشتن این پیام، خانم «لو هیویان» خودش را از پنجره پاگرد ساختمان نیمه‌ویران به زمین پرت کرد تا صدایش شنیده شود. این نمونه‌ای بود تا معلوم شود که خواسته گسترده و عمومی را نمی‌توان حرکتی اتفاقی خواند. نشریه فایننشال تایمز نوشت رئیس اجرائی هنگ‌کنگ اعلام کرده با دیدن این اعتراضات حاضر است از سمت خود استعفا دهد اما دولت چین، این خواسته را رد کرده است؛ زیرا قدرت مرکزی اصرار دارد خانم کری لم بر سر قدرت بماند تا به‌زعم آنها خرابکاری‌های چندروزه را که خودش نیز سهمی در آتش‌افروزی آن دارد، جمع‌وجور کند. ریاست اجرائی هنگ‌کنگ که رهبری آن اقلیم بر عهده او قرار می‌گیرد، با نظر جمعی کمیته‌ای انتخاب می‌شود که اعضایش بالغ بر هزارو ۲۰۰ نفر است اما افسوس که برخلاف اسلاف شرافتمند خود، بیشتر کرسی‌نشینان فعلی، «بیجینگ فیل» هستند؛ یعنی بدون اجازه پکن، آب نمی‌نوشند! آنها فقط با نظر کمتر از ۱۰ درصد از واجدان شرایط رأی‌دهندگان به این کمیته راه یافته‌اند. ازآنجاکه قدرت مرکزی در مرزهای شمالی با برگزاری یک انتخابات واقعی و نامزدی افراد مستقل، مخالفتی سنتی دارد، همین تصمیم نابخردانه از سوی افراد محافظه‌کار پکن، می‌تواند روغن چراغی شود که فتیله تظاهرات هنگ‌کنگ را همچنان روشن نگه دارد. چون بیشتر اوقات رفتار مستبدانه می‌تواند نتیجه‌ای عکس به بار آورد.

بررسی دوران ریاست آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی بر قوه قضائیه

کارنامه ۱۰ساله قاضی‌القضات

عکس: فرح صمدی، ایرنا

وحیده کریمی: فقیه، فیلسوف و اندیشمندی جوان در بحبوحه سخت‌ترین روزهای دستگاه قضا به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. ماجراهای ۸۸ و جریان دادگاه‌های آن دوره حواشی و چالش‌های بسیاری برای دستگاه عدلیه داشت و این فقیه جوان تلاش بسیاری برای بسامان نگه‌داشتن قوه قضائیه داشت. آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی به‌عنوان رئیسی که سیستم الکترونیکی را به دستگاه قضا وارد کرد و بعد از سال‌ها روند کاغذی و مشکلاتش به کناری گذاشته شد، شناخته می‌شود. البته در دوران ریاست او و با تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی‌بر تمرکز قوه قضائیه بر حبس‌زدایی دستگاه قضا به سمت کاهش جمعیت کیفری حرکت کرد، اما اطاله دادرسی و حجم بالای پرونده‌ها و کمبود قضات مانع از تحقق اهداف قوه قضائیه در دوران ریاست وی بود که تصمیم بر این شد دستگاه قضا حقوق‌دانان جوان را برای مناصب قضاوت جذب کند که تا حدودی هم موفق بود. رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی، به‌خصوص افراد سرشناس جزء مواردی است که فراموش نخواهد شد، هرچند نگاه سیاسی رئیس سابق قوه قضائیه به مسائل و رسانه‌گریزشدن قوه قضائیه در آن دوران، سبب شد دستاوردهای ریاست آملی‌لاریجانی بسیار کم دیده شود. البته انتقاداتی مانند انتقادناپذیربودن قوه قضائیه نیز بسیار شنیده می‌شد، زیرا با هر انتقاد و سؤالی، تندترین واکنش‌ها از قوه قضائیه منعکس شد مانند تحت تعقیب قرارگرفتن نمایندگان مجلس منتقد به عملکرد قوه، به‌خصوص در ماجرای حساب‌های قوه قضائیه که با روی‌کارآمدن رئیس جدید نه‌تنها دیگر تابو نبود، بلکه آیت‌الله رئیسی خود در مقام توضیح و اصلاح حساب‌ها برآمد. قوه قضائیه مسئول برقراری عدالت در کشور است و همین امر نگاه تقدس‌گونه به این دستگاه را به دنبال داشته که در آن روزها این نگاه بسیار تقویت شده بود که موجب می‌شد نزدیک‌شدن به قوه قضائیه برای دلسوزان سخت شود. اصلاح قانون مجازات اسلامی، آیین دادرسی کیفری و مواردی از این دست بعد از سال‌ها موجب تقویت قوانین جزائی کشور شد تا خلأهای پیشین حذف شوند که امر مهم و غیرقابل‌اجتنابی بود. البته حقوق‌دانان، نمایندگان مجلس و خبرنگاران حوزه قضائی نگاه‌های متفاوتی به عملکرد ایشان داشته و دارند و در کنار اشاره به نقاط مثبت، بررسی نقاط ضعف را به‌عنوان آسیب‌شناسی مشکلات در جهت رفع و پیشگیری از مشکلات آینده مطرح می‌کنند. ازاین‌رو حجت‌الاسلام حسن نوروزی، نماینده رباط‌کریم در مجلس شورای اسلامی، نیز درباره عملکرد ۱۰ ساله آیت‌الله آملی‌لاریجانی در سمت رئیس قوه قضائیه گفته است: ایشان در عرصه مبارزه با فساد در این ۱۰ سال قوی عمل کردند. اظهارنظرهای فقهی و حقوقی مربوط به دستگاه قضا، دقت در گزینش قضات، ایجاد انسجام در شورای قضائی کشور، تلاش در جهت کاهش آمار زندانیان و توازن‌بخشی به بودجه قوه قضائیه از دیگر نقاط قوت عملکرد آیت‌الله آملی‌لاریجانی در جایگاه ریاست قوه قضائیه بوده است. وی همچنین معتقد است: عدم ارتباط با مجلس و کمیسیون قضائی، عدم ارتباط با مردم و عدم حضور در میان مردم و جامعه، عدم پیگیری جدی شورای حل اختلاف، عدم تحقق‌بخشی تغییروتحول در امور مربوط به دستگاه قضائی و سازمان‌های تابعه، عدم عمل به قانون حسابرسی به اموال مسئولان که ایشان آیین‌نامه اجرائی آن را تدوین نکردند، عدم کنترل تحول در دیوان عدالت اداری از طریق اصلاح آیین‌نامه، عدم ارسال لوایح جدی برای اصلاح قوانین ازجمله نقاط ضعفی است که در دوران ریاست ایشان بر قوه قضائیه رخ داده. همچنین دکتر نعمت احمدی، حقوق‌دان، در نقد عملکرد ریاست سابق قوه قضائیه به «شرق» توضیح داد: جوان‌ترین رئیس قوه قضائیه بعد از آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی بر مسند عالی‌ترین دستگاه عدلیه تکیه زد که نکته مثبتی از همان ابتدا بود. البته شروع به کار ایشان در دوران سختی رقم خورد و جریان دادگاه‌های ۸۸ حاشیه‌های بسیاری به همراه داشت. از سویی انتظار می‌رفت سعید مرتضوی تغییر کند، اما این مسئله زمان‌بر شد. دادستانی تهران از حساس‌ترین پست‌ها در ایران است، زیرا به لحاظ موقعیت و اختیاراتی که برعهده دادستان تهران است، او در حقیقت قاضی‌القضات کشور است... .

ادامه در صفحه ۶

عدالت هنوز چشم‌به‌راه تحولات است

عباس یعقوبی، خبرنگار

اکنون که آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی از کرسی قاضی‌القضاتی برخاسته و بر صندلی ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام تکیه زده است، با طیب خاطر و فراغ بال بیشتری می‌توان کارنامه ۱۰ساله او را در ریاست قوه قضائیه بررسی کرد. البته این بررسی ابعاد و جنبه‌های گوناگونی را دربر خواهد گرفت؛ اما به‌عنوان کسی که در تمام این ۱۰ سال خبرنگار قضائی بودم، نداشتن حتی یک نشست خبری آیت‌الله آملی‌لاریجانی در تمام مدت ریاست او بر قوه قضائیه، موردی است که بیش از همه نظرم را جلب می‌کند و البته نشانه رویکرد رئیس جدید مجمع تشخیص به رسانه است. آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی، فارغ از انتصاب حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای به‌عنوان سخنگوی قوه قضائیه و نشست‌های تقریبا دو هفته یک بار سخنگوی دستگاه قضا، عملا به رسانه‌ها به‌عنوان پل ارتباطی بین مردم و قوای حاکمیت پاسخ‌گو نبود. هرچند در دوره مدیریت او بر قوه قضائیه، مرکزی با عنوان مرکز رسانه قوه قضائیه ایجاد شد؛ اما این مرکز نیز نتوانست محملی برای تعامل با رسانه‌ها باشد و به گمان نگارنده این سطور، تدوین و ابلاغ دستورالعمل «اطلاع‌رسانی و ارتباطات رسانه‌ای»، باعث محدودتر و پیچیده‌ترشدن تعامل سیستم قضائی با رسانه‌ها شد که امید می‌رود آیت‌الله رئیسی مانند اقداماتی که در حوزه تدوین، اصلاح و ابلاغ آیین‌نامه‌های مغفول‌مانده انجام داد، چاره‌ای نیز برای این دستورالعمل بیندیشد. به‌دنبال همین سیاست بود که قوه قضائیه و به تبع آن کشور، در آن ۱۰ سال همواره از ناحیه اطلاع‌رسانی دیرهنگام و حتی عدم اطلاع‌رسانی، آسیب دید و ابهام‌های بسیاری درباره پرونده‌های متعدد در اذهان افکار عمومی ایجاد شد که هنوز هم حل نشده است. موضوع دیگری که در دهه ریاست آیت‌الله آملی‌لاریجانی بر قوه قضائیه و حتی در دهه‌های پیش از آن گریبان‌گیر دستگاه قضائی بوده، نداشتن سابقه قضائی رؤسای سابق این قوه بود؛ چالشی که خوشبختانه با حضور ابراهیم رئیسی برطرف شده است. بااین‌حال، نکته اینجاست که معضل این ناآشنایی با بدنه قوه قضائیه در کجا قرار دارد؟ در آنجایی که وقتی فردی بدون سابقه آشنایی با پیکره قوه قضائیه و دست‌اندازهای آن، در رأس این قوه حساس قرار می‌گیرد، ناچار است به عده‌ای به‌عنوان مشاور اعتماد کند و گاهی اوقات همین اعتماد بیش از حد و تکیه بر مشاوران، زمینه بروز آفاتی را فراهم می‌کند. آیت‌الله آملی‌لاریجانی که بدون سابقه حضور در قوه قضائیه و صرفا از شورای نگهبان به این قوه آمده بود نیز با همین مشکل مواجه شد و حالا پرونده یکی از نزدیکان رئیس سابق دستگاه قضا، دست‌کم نشانه‌ای از همین اعتماد است. نگاهی دیگر به عملکرد آیت‌الله آملی‌لاریجانی در دستگاه قضائی، ناظر به خیل «زمین‌مانده‌های قضائی» در دوره ۱۰ساله ریاست وی است؛ کارهایی زمین‌مانده و حتی دم‌دستی که ابراهیم رئیسی در چندماهه حضور خود در قوه قضائیه، به شماری از آنها سروسامان داده است؛ مانند صدور برخی آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها و تعیین تکلیف قوانینی که برای سال‌ها در انتظار یک دستورالعمل یا آیین‌نامه بوده‌اند. نمونه بسیار ساده آن، موضوع حجاب چادر برای زنان متهم است که با وجود اینکه راهکاری بسیار ساده داشت، سال‌ها محل مناقشه و بحث بود تا اینکه ابراهیم رئیسی تکلیف آن را به‌تازگی یکسره کرد. البته در ریاست ۱۰ساله آیت‌الله لاریجانی بر قوه قضائیه، اقداماتی مانند ایجاد سامانه‌های الکترونیکی قضائی که شروع آن مربوط به دوره ریاست آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی بود، بالاخره عملی شد تا شاید بتواند پروسه فرساینده و طولانی قضائی را اندکی تسهیل کند؛ هرچند قطعی‌های مکرر آن نیز در نوع خودش دردسری شده است. ۱۰ سال زمانی قابل توجه برای تحولات مثبت در قوه‌ای است که ارتباطات گسترده و از نزدیک با مردم دارد و از آن به عنوان عدالت‌خانه یاد می‌شود اما عدالت هنوز چشم به راه آن تحولات است و چشم امیدها به ابراهیم رئیسی است.

دری که یک دهه به روی خبرنگاران قفل بود

مهرو ماهر، روزنامه‌نگار

قضاوت عملکرد قوه قضائیه در دوران ریاست آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی در چند سطر کار مشکلی است از این‌رو کوتاه و مختصر آنچه را بیش از همه اقدامات و رفتارها در سیستم قضائی در دوران ریاست گذشته در ذهنم باقی مانده است، می‌نویسم. آیت‌الله صادق لاریجانی فقیهی که ۱۰ سال بر مسند ریاست قوه قضائیه تکیه زده بود و بسیاری از فعالان مدنی و اجتماعی انتظار داشتند در طول این مدت حداقل دیداری در راستای بیان دغدغه‌ها و مشکلات آنان با این مقام مسئول داشته باشند اما متأسفانه حتی در جلسات و نشست‌های خبری هم خبرنگاران چند رسانه همسو به صورت گزینشی انتخاب و دعوت می‌شدند که قهر با رسانه‌ها و رسانه‌ای‌نشدن اخبار این نهاد مهم یکی از نقاط ضعف این دهه به شمار می‌آید. هنوز هم نمی‌دانیم آیا در این مدت قوه قضائیه عملکرد مثبت و چشم‌گیری نداشته یا شاید به دلیل مطرح‌نشدن در رسانه‌ها عملکردشان به چشم نیامده است. از سوی دیگر، روند دادرسی و رسیدگی به پرونده‌های قضائی بسیار کند و به صورت لاک‌پشتی حرکت کرد. علاوه بر این، پرونده‌های فسادهای اقتصادی با تأخیر پیگیری شد و اجازه پوشش این دادگاه‌ها به رسانه‌ها داده نشد؛ همان‌طور که بازداشت برخی از فعالان محیط زیست دارای ابهاماتی بود که هیچ‌گاه در آن دوران از سوی قوه قضائیه به صورت شفاف پاسخ داده نشد و بسیاری از اصحاب رسانه نسبت به این موضوع انتقاد داشتند که حداقل جلسه‌ای برای توجیه و تفهیم خبرنگاران برگزار می‌شد زیرا این موضوع یک مطالبه عمومی بود. قوه قضائیه در طول یک دهه با خبرنگاران و روزنامه‌نگارانی قهر کرده و درهای خود را به روی آنان بسته بود که رسالتشان اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به عموم مردم است.

اقتدار و جسارت در محاکمه دانه‌درشت‌ها

سیدهادی کسایی‌زاده، خبرنگار

پس از انتصاب آیت‌الله آملی‌لاریجانی به‌عنوان رئیس قوه قضائیه، تا چندین ماه خبری از سخنگو نبود، یعنی خبرنگاران در دریافت اخبار با چالشی جدی روبه‌رو بودند تا اینکه حجت الاسلام محسنی‌اژه‌ای قبول مسئولیت سخنگویی کرد. اما اگر بخواهیم نقاط ضعف و قوت دوران ریاست آملی‌لاریجانی را کوتاه بیان کنیم، در بخش نقاط قوت باید توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را به‌ویژه در بخش برخط‌شدن احکام قضائی، سامانه ثنا و سجا، الکترونیکی‌شدن خدمات ثبت اسناد و ایجاد پژوهشکده قوه قضائیه را از نقاط قوت این دوره عنوان کرد.

در کنار آن هم نباید از اقتدار و جسارت محاکمه دانه‌درشت‌ها به‌سادگی عبور کرد. با این حال، نقاط ضعف قوه قضائیه به‌عنوان یک خبرنگار و روزنامه‌نگار حقوقی و قضائی، بیشتر به چشم می‌خورد و همین نقاط ضعف موجب نارضایتی عمومی شد.

آیت‌الله آملی‌لاریجانی در طول ریاستش هیچ وقت با خبرنگاران نشست خبری برگزار نکرد و فقط من به‌عنوان خبرنگار در سفرهای استانی توانستم تا یک قدمی او برسم و چند سؤال مطرح کنم که در پاسخ گفتند من کاره‌ای نیستم! در سفرهای استانی خبری از مردم نبود و هیچ وقت مردم اجازه ملاقات حضوری نداشتند که در دوره آیت‌الله شاهرودی برعکس بود.

انتصابات در دوره آیت‌الله آملی‌لاریجانی گاها غیرتخصصی بود؛ از انتصاب یک نظامی به نام ذوالقدر به‌عنوان معاون تا مرضیه وحیددستجردی به به‌عنوان مشاور و... . در بخش سازمان زندان‌ها کار به‌کندی پیش رفت و خروج اوین از تهران گره خورد و وضعیت اشتغال زندانیان در این سال‌ها به‌درستی انجام نشد در حالی که بنیاد تعاون زندانیان درآمد میلیاردی دارد و هیچ وقت گزارش عملکرد به رسانه‌ها ارائه نکرده است (گزارش مالی درآمد و هزینه). در این دوران پزشکی قانونی همچنان با مشکل بودجه و اعتبار روبه‌رو بود.

آیا نمی‌شد هزینه ماهانه ۲۰۰ میلیون‌تومانی خبرگزاری میزان یا روزنامه حمایت به تأمین نیرو و تجهیزات برای پزشکی قانونی اختصاص یابد؟ در بخش ثبت اسناد هم شاهد اعتراضات خیابانی سردفتران بودیم و در بخش قضات هم تعداد زیادی قاضی فاسد شناسایی و رسانه‌ای شدند. حالا با تشکیل پرونده برای معاون دفتر آیت‌الله آملی، یعنی آقای طبری مسئله کمی بازتر خواهد شد. نقاط ضعف در این دوره دستگاه قضا به‌گونه‌ای است که وقتی آیت‌الله رئیسی یک اقدام کوچکی انجام می‌دهد همه نفس راحت می‌کشند و تشویق دارد.

سایه‌روشن ۹ سال قاضی‌القضاتی

محمد جعفری، روزنامه‌نگار

آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی در فضایی پرآشوب بر مسند دستگاه قضا تکیه زد. مرداد سال ۸۸ وقتی او در قامت قاضی‌القضاتی ظاهر شد اعتراضات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ادامه داشت و در چنین شرایطی همه نگاه‌ها به سوی دستگاه قضا معطوف شده بود. خانواده زندانیان سیاسی چشم‌انتظار گشایش بودند و تندروها انتظار برخورد داشتند.

از سوی دیگر، شروع ریاست آیت‌الله آملی‌لاریجانی بر قوه قضائیه آغاز محدودیت رسانه‌ها برای پوشش اخبار قضائی بود. آنچنان که تا ماه‌ها پس از آغاز به کار او، از ورود خبرنگاران به دادگاه‌ها ممانعت می‌شد و گاهی تنها خبرنگاران خاص امکان حضور در دادگاه‌ها را داشتند. سرپرست دادسراها و محاکم که تا پیش از این معمولا روی خوشی به خبرنگاران نشان می‌دادند ابلاغیه‌ای را که درباره منع ورود خبرنگاران به محاکم به امضای آیت‌الله لاریجانی رسیده بود، در دفترهای‌شان نصب کرده بودند تا عدم اطلاع‌رسانی را به گردن مقام بالاتر بیندازند. هرچند این روند تا ماه‌ها ادامه داشت اما سرانجام سد شکست.یکی از پرونده‌های جنجالی در دوران ریاست این فقیه، پرونده زورگیران خیابان خردمند بود. دو پسر جوان در کوچه‌ای قصد زورگیری داشتند که از بخت بد دوربین مداربسته‌ای تصویر آنها را ضبط کرد. فضای مجازی هم که به‌سرعت در حال رشد بود، به انتشار بیشتر این فیلم کمک کرد تا فیلم این زورگیری دست‌به‌دست به دفتر رئیس دستگاه قضا برسد. پیش از این نیز شاهد زورگیری‌های خیابانی و سرقت‌های خشن بودیم اما وقتی آملی‌لاریجانی این فیلم را دید، آن را مصداق «اخافه الناس» و مجازات آن را «اعدام» دانست. این در حالی بود که هنوز زورگیران دستگیر و محاکمه نشده بودند. دستور عالی‌ترین مقام قضائی پلیس را برای دستگیری زورگیران به تکاپو انداخت و آنها چند روز بعد دستگیر شدند و با گذشت کمتر از دو ماه در نزدیکی محل زورگیری چوبه دار برایشان برپا شد. هرچند خواسته افکار عمومی دستگیری تبهکاران و مجازات آنها بود اما قضاوت پیش از محاکمه بازخوردهای منفی بسیاری به دنبال داشت.

سال‌ها بود که مجازات‌های اعدام و قصاص به‌ندرت در ملأعام اجرا می‌شد و آخرین مورد آن اجرای حکم قاتلان قاضی مقدس در سال ۸۶ بود، اما وقتی سکان دستگاه قضا به دستان آیت‌الله لاریجانی افتاد، او که نگاه فقهی‌اش به نگاه حقوقی‌اش برتری داشت به‌عنوان یک سیاست اجرای احکام در ملأعام را در دستور کار قرار داد و از آن پس بود که تبهکاران یکی پس از دیگری مقابل چشمان مردم مجازات می‌شدند.

«ما با هیچ‌کس عهد اخوت نبسته و تعارف نداریم». این شاه‌بیت بسیاری از سخنرانی‌های آیت‌الله لاریجانی در دوران ریاست بر قوه قضائیه بود. او آنچنان در گفته‌هایش راسخ بود که افرادی نظیر رئیس‌جمهور سابق، معاون اول او، دادستان سابق تهران که زمانی قدرتی افسانه‌ای داشت و بسیار دیگر از چهره‌های پرنفوذ را به میز محاکمه کشاند و از این نظر می‌توان او را در تصمیم‌گیری‌ها قاطع دانست.

روزنه

روایت محتشمی‌پور از جزئیات تصویب قطع‌نامه ۵۹۸

● به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ توسط امام خمینی، گفت‌وگوهایی با وزیر کشور وقت و همچنین دو نفر از کارشناسان امور سیاسی و نظامی انجام دادیم و به شبهاتی که درباره پذیرش این قطع‌نامه مطرح شده پرداختیم تا ضمن بیان جزئیاتی از فضای سیاسی و نظامی کشور در سال ۶۷، دلایل پذیرش قطع‌نامه توسط امام خمینی(ره) و جنبه‌های کارشناسی این موضوع را بررسی کنیم. به گزارش «جماران»، علی‌اکبر محتشمی‌پور درباره بعضی نقل‌قول‌هایی که حکایت از پشیمانی امام از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ دارد، گفت: «من نمی‌دانم چه کسی این عبارت را از امام نقل کرده است، اما باید توجه کنیم جمله‌ای که می‌خواهد به حضرت امام نسبت داده شود باید مستند باشد؛ یعنی امام در اعلامیه یا سخنرانی آن را فرموده باشند یا اینکه مثلا یکی از مسئولان و مقاماتی که مورد اعتماد امام و مردم هست در یک جلسه خصوصی شنیده باشد. خود حضرت امام هم در وصیت‌نامه خود فرموده بودند که اگر کسی ادعای سخنی از من کرد، باید در گفتار و یا نوشتار من باشد و به این‌گونه که کسی بخواهد شفاهی از قول من چیزی را نقل کند مورد پذیرش نیست».

او ادامه داد: «آنچه را که من شاهد و ناظر بودم، جلسه‌ای بود که ۲۶ تیرماه در ساختمان ریاست‌جمهوری برگزار شد و حدود ۴۰ نفر از شخصیت‌های لشکری و کشوری و مقامات مذهبی و فرهنگی که امام تعیین فرموده بودند در آنجا گرد آمده بودند. حضرت امام نامه بسیار مهمی را خطاب به این جمع نوشته بودند که مرحوم حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج احمدآقای خمینی آن نامه را قرائت کردند. در آن جلسه که از صبح شروع شد و تا غروب آفتاب ادامه پیدا کرد، بحث‌های مختلفی صورت گرفت. بعد از قرائت قرآن و صحبت‌های ریاست‌جمهوری وقت، مرحوم حاج احمدآقا خمینی نامه حضرت امام را قرائت کردند. در این نامه اصلا اشاره و صحبتی در مورد این شایعه‌ای که شما از آن صحبت کردید وجود نداشت. علت پذیرش قطع‌نامه توسط امام مشخصا در این نامه ذکر شده است و چیزی به‌عنوان حضور یا عدم حضور مردم در جبهه‌ها به‌عنوان تمام یا بعضی از علل پذیرش قطع‌نامه، در میان آنها نیست».

این فعال سیاسی در پاسخ به پرسشی مبنی‌بر اینکه آیا پذیرش قطع‌نامه با «جنگ، جنگ، تا رفع فتنه از جهان» مغایرت داشت، اظهار کرد: «داستان پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ به معنای عقب‌نشینی از ایده‌های بلند انقلاب اسلامی و عدم مبارزه با ظلم، ستم، تبعیض و نژادپرستی یا دفاع‌نکردن از مظلومان داخل و خارج از کشور نیست؛ یعنی حضرت امام آتش‌بس را قبول کردند و در یکی از نامه‌هایی که برای فرمانده سپاه نوشتند و در صحیفه امام هم وجود دارد، حضرت امام عبارت «ما به صلحی پایدار فکر می‌کنیم» را ذکر کرده‌اند؛ صلح پایدار آنجایی است که همه شرایط صلح در جهان فراهم باشد. ظلمی و ستمی نباشد، تجاوزی از سوی کشوری با دیگری نباشد و مردم و مستضعفان جهان بتوانند یک شرایط انسانی مشخصی را داشته باشند».

محتشمی‌پور درباره اینکه چرا امام بعد از پذیرش قطع‌نامه غمگین بود و حتی اجازه ملاقات نمی‌داد، افزود: «این هم ممکن است بیانگر احساسات شخصی برخی از افراد باشد؛ یعنی چون خودش غمگین بوده فکر می‌کند که امام هم غمگین بوده است. اینکه گفته شده بعد از پذیرش حضرت امام غمگین بودند و برنامه‌های خود را تعطیل کردند به‌هیچ‌وجه صحت ندارد. امام در طول ۱۰ سالی که بعد از پیروزی انقلاب حیات داشتند ملاقات‌های عمومی داشتند و خیلی مقید بودند که با مردم در ارتباط مستقیم باشند. اولا نامه‌های آنها را دریافت کنند یا درخواست‌های آنها را ببینند، ولی به‌خاطر رسیدگی به مسائل مهم شخصی خودشان یا مملکتی، هرازگاهی چند روز برنامه‌های عمومی و ملاقات‌های عمومی را تعطیل می‌کردند؛ یعنی هر دو، سه ماه یک‌بار حضرت امام می‌فرمودند ملاقات‌های عمومی را تعطیل کنید و برنامه‌ای برای ایشان نگذارند. این مطلب اصلا ربطی ندارد به پذیرش قطع‌نامه و اینکه امام از موضوع پذیرش قطع‌نامه ناراحت بودند و به‌خاطر ناراحتی برنامه‌ها را تعطیل کردند».

او ادامه داد: «من در خاطراتم به طور مفصل گفته‌ام که امام واقعا یک شخصیت استثنایی و کاملا معتقد به امر حکومت مردمی بودند و به آحاد مردم احترام می‌گذاشتند. برای سرنوشت کشور هم بسیار دغدغه داشتند و اهمیت می‌دادند. شروع و همچنین پایان جنگ و قبول قطع‌نامه، هم به‌خاطر مردم و حفظ حرمت جان، مال و ناموس مردم و هم دفاع از کیان سرزمین مقدس ایران بود. حضرت امام تمام این مسائل را لحاظ می‌کردند. هیچ‌گاه امام مستبد به رأی نبودند».

اصلاحیه آگهی مزایده ۲۵-۹۸

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

بدینوسیله اعلام می‌نماید ردیف ۱۰ جدول آگهی مزایده از لیست آگهی خارج و جزء فضاهای مورد مزایده نمی‌باشد. سایر شرای آگهی اولیه کماکان به قوت خود باقی می‌باشد.

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه